گریزی از واقعیت نیست

زندگی و مسابقه در کنار کرونا

گزارش
وصال روحانی

آغاز شدن مجدد و یک به یک لیگ های فوتبال اروپایی نشانگر اهمیتی است که این امر برای اهالی این ورزش و بخصوص مدیران ارشد فوتبال جهان دارد. این واقعه لزوماً بدین معنا نیست که خطر شیوع کرونا از بین رفته باشد بلکه محصول این نگرش آشنا و «پیش تر هم دیده شده» است که فوتبال و شاید تمامی ورزش ها و به واقع کل جهان باید بپذیرند که این بیماری جزئی از فرهنگ دنیا و متأسفانه ماندنی شده است و مانند بیماری های قبلی که جزئی از زندگی مردم شدند و دائماً و بر اساس فصول مختلف و چهارگانه می روند و می آیند، باید زندگی در کنار آن را که البته بسیار خطرناک است، بیاموزند و بکوشند که آثار سوء و ضررهای آن را به حداقل برسانند. دنیا همانطور که آموخت چطور با انواع آنفلوآنزاها و همچنین سارس، ابولا، ایدز و پیش از آنها با طاعون، سل، حصبه و جذام کنار بیاید و در حضور آنها فعالیت های ورزشی خود را استمرار بخشد، حالا اجباراً همان قضیه را با کرونا تجربه می کند و می آموزد که چطور به طور همزمان با رواج این بیماری مهلک به زیست و فعالیت های خود بپردازد و هیچ چاره ای جز این هم ندارد.

پذیرش این امر نه از سر اختیار بلکه بر پایه فهم این نکته است که اگر فعالیت های عادی از سرگرفته نشود نه تنها بخشی از زندگی سیال مردم از چرخه اجرا خارج می شود، بلکه هیچ تضمینی هم در دست نیست که در صورت تعطیلی فعالیت های عادی ورزشی این بیماری حاشیه نشین و ریشه کن خواهد شد، پس چه بهتر که هرچه سریع تر و مؤثرتر با این بلیه خانمان سوز به اصطلاح کنار بیاییم و در حضور آن به گونه ای فعالیت و به برگزاری مسابقات مبادرت کنیم که کمترین ضررها و ابتلاها از آن برخیزد و به این امید ببندیم که امواج بعدی بروز این بیماری و تلفات حاصل از آن همچون بیماری های قبلی سست تر و ضعیف تر از دفعات پیشین باشد.

دور از روندهای جاری

پیرو چنین باوری لیگ آلمان از مدتی پیش راه اندازی شده و لیگ اسپانیا هم از اواخر هفته پیش دوباره آغاز شد. لیگ های ایتالیا و انگلیس هم عنقریب است که پیگیری شوند و اگر لیگ فرانسه جزو این مسابقات نیست، بدین سبب است که سه ماه پیش و در اوج جولان کرونا در تصمیمی جنجالی مقرر شد که این پیکارها «تمام شده» تلقی گردد و پاری سن ژرمن که در صدر جدول بود، یک بار دیگر قهرمان نام گیرد و تیم های قعر جدولی شامل امی ین که سامان قدوس هم در آن بازی می کند، به دسته ای پایین تر ارجاع شوند.

در همین راستا لیگ ایران هم در مسیر اجرای مجدد و پیگیری دوره نوزدهم خود قرار گرفته و همه آنهایی که می گویند و مکرراً هم اظهار می دارند که این اقدام غلط است و بهتر است که با ادامه تعطیلی این مسابقات از ازدیاد شمار مبتلایان و قربانیان کووید ۱۹ جلوگیری شود، بد نیست مطلع شوند که این رویداد نیز مثل شروع مجدد لیگ های اروپایی محصول این نکته و اجبار است که اگر مسابقه ها از سرگرفته نشود نه تنها روند رشد فوتبال در داخل متوقف خواهد شد بلکه نمی توانیم با روند اموری که در آسیا و سایر قاره های جهان جریان دارد، همسو شویم.

از آسیا تا جهان

فرض کنید لیگ ما به هر دلیل و بر اساس استدلال و درخواست برخی تیم ها پیگیری نشود ولی آیا می توانیم مرداد ماه که قرار است ادامه مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به طور مجتمع و فشرده در چند شهر و کشور غرب و شرق این قاره برگزار شود، بر اساس همان استدلال ها و خواسته ها و جهت گیری ها از AFC هم بخواهیم که این مسابقات را برگزار نکند و اگر برگزار شد، باشگاه های ایرانی می خواهند با کدام آمادگی و ناشی از حضور در کدامین رقابت ها حضوری شایسته و موفق در آن عرصه داشته باشند؟ فرض کنید لیگ ما تعطیل ماند اما مهره ماه که به تصمیم فیفا مسابقات مرحله دوم مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ در قاره آسیا پیگیری خواهد شد، تیم ملی ما می خواهد با کدامین نفرات آماده راهی آن میدان های بسیار مهم شود که دو بازی آن برابر بحرین و عراق به شدت سرنوشت ساز خواهد بود؟ بنابراین ما با یک موج تازه از نیازها و مسائل غیر قابل اجتناب مواجه هستیم و خواه ناخواه باید در مسیر آنها گام برداریم و به گونه ای باشیم که شرایط روز می طلبد و به شکلی عمل کنیم که به نفع فوتبال ما تمام شود و سود فوتبال ما ایجاب می کند که به رغم تمامی خطرات عجین با بازگشایی آن و مضار بیماری کرونا، مسابقات از نو به اجرا درآید و یک بار دیگر لیگ های داخلی و فعالیت های همیشگی برگزار شوند و فدراسیون و سازمان لیگ و باشگاه ها و سایر درگیران این ورزش وارد عرصه ای شوند که پیش از ظهور کرونا هم پیش روی شان بود. البته چنین ورود مجددی باید با تمامی ملاحظات بهداشتی و پزشکی لازم و رعایت پروتکل های اعلام شده باشد تا کمترین بیماری ها از فعالیت های مجدد برخیزد و همه چیز تحت کنترل و برگزاری رقابت ها البته بدون تماشاگر و با کمترین احتمال برای سرایت بیماری ها باشد.

معنایی تازه برای زیست

اینها مواردی است که شرایط زمانه فعلی و اوضاع اواخر خرداد به ما تکلیف می کند و نمی توانیم با تصمیم های دلبخواهی و بر اساس آنچه خود صلاح می دانیم، درباره این مسائل اتخاذ تصمیم و اقدام کنیم.

دنیای ورزش پذیرفته است که باید با کرونا ولی با ادامه تلاش برای منکوب کردن آن به زندگی خود ادامه بدهد و فوتبال ایران هم باید با قبول این واقعیت، کاربردی ترین طرح ها و ایمن ترین برنامه ها و کم خطرترین مسابقات را برای خود طراحی نماید و در فضایی سرشار از سلامتی و با کمترین درصد خطا به سوی آینده اش به حرکت درآید. قدیمی ترها با ظهور آنفلوآنزاها و سارس ها هم فوتبال خود را تعطیل نکردند و نسل امروز هم محکوم است که در حضور کرونا و در سایه آن زیست را از نو برای خود معنا و اجرایی کند و چنان پیش رود که نسل های قبلی مقابل بیماری های آن زمان انجام داده بودند و هرچند کرونا بسیار موذی تر و پر سرایت تر و خطرناک تر است اما چاره ای جز ادامه زیست در فضای آن وجود ندارد.

با امید آنکه روزی کرونا همانقدر کم اثر و کم پیدا شود که برخی بیماری های هلاکت بار قبلی به تدریج شدند و راه را به سوی فوتبال و سایر رشته های ورزشی و اجرای عادی تر آن گشودند.

ضرورت بازگشت ورزش همگانی به مسیر توسعه

باشگاه تجربه
سعید فائقی

روز هفدهم خرداد کاندیداهای ریاست فدراسیون ورزش‌های همگانی طی مرقومه‌ای نگرانی خود را از مهندسی انتخابات به مقام عالی وزارت ورزش و جوانان منعکس کردند که محتوای نامه موجبات تشدید نگرانی برای علاقه‌مندان به ورزش است. باید اذعان داشت ورزش همگانی به تنهایی شاید پنجاه درصد کل ورزش را شامل شود و توسعه در ابعاد مختلف ورزش کشور نیازمند رشد ورزش همگانی است. هر اندازه به تعداد ورزشکاران سازمان‌یافته اضافه شود و به هر نحوی که بتوانیم زمان سرانه پرداخت به ورزش آحاد مردم عزیز میهن‌مان را افزایش دهیم، نه تنها توانسته‌ایم ضریب سلامتی کشور را بالا ببریم بلکه در کنار افزایش بهره‌وری نیروی انسانی خواهیم توانست در ورزش‌های حرفه‌ای، قهرمانی، تربیتی، اصلاحی، آموزشی، کارگری، مدیریتی و... پیشرفت حاصل نماییم.

فدراسیون ورزش همگانی در زمان تصدی جناب مجدآرا جزو معدود فدراسیون‌هایی بود که براساس الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت برنامه استراتژیک و طرح جامعی را تهیه نمود و انصافاً تنها فدراسیونی بود که کنترل استراتژیک را در دستور کار خود قرار داده بود. حیف و صد حیف که در کنار حاشیه‌های به وجود آمده برای فوتبال و جنجال‌های اخیر حوزه ورزش، ورزش همگانی هم به مشکل بر بخورد و خدای نکرده از مسیر توسعه که توسط جناب مجدآرا آغاز شده بود، باز ماند. علاقه‌مندان به ورزش استحضار دارند که ما در امور زیربنایی ورزش نسبت به استاندارد جهانی و میانگین دنیا هنوز فاصله داریم و برای رسیدن به استانداردها راه دشواری پیش‌رویمان قرار گرفته و فعالیت‌های مضاعفی باید انجام دهیم که بتوانیم شکاف موجود را پر کنیم. با وجود مشکلات عدیده‌ای که داریم انصاف نیست فدراسیون ورزش‌های همگانی را به بی‌برنامگی سوق دهیم. چرا نباید بتوانیم سر موعد انتخابات را برگزار کنیم؟ مشکل کجاست؟ تا کی قرار است امور را با سرپرستی اداره کنیم؟

روزی که مقرر شد فدراسیون‌ها مؤسسات عمومی غیردولتی باشند هدف این بود که هر ورزشی به اهل آن سپرده شود و به تدریج به سمتی حرکت کنیم که چسبندگی فدراسیون‌ها را به دولت به حداقل برسانیم. در اصل با آزادسازی فدراسیون‌ها گام بلندی به سوی بالا بردن سهم بخش غیردولتی برداشته شده بود، به طوری که در برنامه چهارم توسعه مقرر شده بود سرانه فضای ورزشی به یک متر مربع برسد، شهرداری‌ها مکلف شده بودند بار اصلی ورزش همگانی را به دوش بکشند، سهم بخش خصوصی در ورزش قهرمانی به پنجاه درصد برسد و امور اجرایی ورزش حرفه‌ای کلاً به بخش خصوصی واگذار گردد. متأسفانه دولت وقت برنامه چهارم توسعه را نادیده گرفت و در برنامه پنجم به ورزش همگانی ضعیف پرداخته شد و در برنامه ششم هم ورزش همگانی در حد و شأن مردم عزیز کشور دیده نشده است و از هم اکنون بایستی برای برنامه هفتم توسعه طوری چاره‌اندیشی شود که مطابق برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ ما بتوانیم سرآمد منطقه باشیم.

از آنجایی که وزارت فخیمه ورزش تولیت جوانان را هم برعهده دارد و یکی از نیازهای اساسی جوانان ایجاد شرایط مناسب برای پرداختن به ورزش جوانان است، فدراسیون ورزش‌های همگانی در وزارت ورزش و جوانان وظیفه چندگانه به عهده دارد؛ از جمله ایجاد شرایط مناسب ورزشی برای جوانان. یادش بخیر آقای دکتر حسن‌زاده هم در این خصوص زحمات زیادی کشیدند و آقای دکتر جوادی‌پور با طراحی چند دوره برنامه استراتژیک و تدوین برنامه‌های متعدد پنج ساله برنامه ارزنده‌ای را به یادگار گذاشته‌اند و امید است همه عزیزان دست به دست هم داده و ورزش همگانی را در ریل توسعه قرار دهند. عاجل‌ترین امر برای این کار برگزاری انتخابات سالم، دموکراتیک و شفاف برای تعیین ریاست فدراسیون است.

خبر

گلایه بازیکنان صنعت نفت از مدیران باشگاه

بازیکنان صنعت نفت در آستانه شروع مسابقات لیگ برتر از مسئولان باشگاه بابت حل نشدن مشکلات مالی ناراحت هستند. آنها این موضوع را با بهنام سراج سرمربی تیم هم در میان گذشته‌اند ولی هنوز چیزی تغییر نکرده است. مسئولان باشگاه در این مدت چند بار به بازیکنان قول دادند تا مشکلات مالی آنها را برطرف کنند ولی وعده‌های باشگاه عملی نشده است. این در حالی است که بازیکنان صنعت نفت تا به امروز ۵۰ درصد از مبالغ قراردادهای‌شان را دریافت کرده‌اند. تمرینات صنعت نفت در حالی در آبادان پیگیری می‌شود که فقط یک بازیکن به دلیل مثبت شدن تست کرونا در تمرینات غایب است. نفتی‌ها برای انجام بازی دوستانه هم با بحران مواجه هستند. آنها به دلیل مشکلات مالی نمی‌توانند از آبادان خارج شوند و همین موضوع دست کادر فنی را برای انجام بازی دوستانه بسته است.